به نامِ خداوندِ بخشنده‌ی مهربان

ایامِ فرخنده‌ی شکرگزاری خجسته باد؛ دستِ حق یاور و نگاهِ مهرش بدرقه‌ی راهتان

الٰهی وَ پروردگارا؛
سپاس و ستایش مَر خدائی را که حکمتش در **«ندادن»** عینِ عطاست،
و مصلحتش در «**نخواستنِ**» ما، عینِ وفا.

گر نه بُد مصلحتِ ما به ندادن زِ حکیم بُخل در ساحتِ جود و کَرَمَش نتوان بست

بارالها؛ تو را شاکریم بر **«دانستن‌هائی»** که چراغِ هدایتِ راه است،
و بر «**ندانستن‌هائی**» که سَتْرِ عُیوب و مایه‌ی آرامشِ جان.

در حضرتِ تو، «**داشتن**» بهانه‌ی شکر است و **«نداشتن»** بهانه‌ی صبر؛
که با وجودِ تو، فَقْر عینِ غَناست و بی‌تو، مُلْکِ جهان سرابی بیش نباشد.

دردم از یار است و درمان نیز هم دل فدایِ او شد و جان نیز هم

(حافظ)

ای گرداننده‌ی دل‌ها و احوال؛

ما را بر هر « **قَبْض و بَسْطی** » که در روزگارِ ما پدید آوری،
و بر هر « **قَهْر و لُطْفی** » که از جانبِ تو بر ما سایه افکند، سرِ تسلیم و رضاست.

چه آن گاه که به نسیمِ « **نِعْمَت و شادی** » دلشادمان سازی،
و چه آن دم که به تازیانه‌ی « **نِقْمَت و غم** » بیدارمان کنی؛
همه از سرِ تربیتِ توست و ما را جز رضا و تسلیم، راهی نیست:

بنده همان بِه که ز تقصیرِ خویش عذر به درگاهِ خدای آورد
ور نه سزاوارِ خداوندیش کس نتواند که به جای آورد

(سعدی)

پروردگارا؛ شکرِ نعمت‌هایت را به ما بیاموز و توفیقِ بندگیِ نیکو را روزیِ ما گردان.

نوامبر ۲۰۲۶